

Quarterly Journal of Village and Space Sustainable Development

Autumn 2022, Vol.3, No.3, Serial Number 11, pp 1-19

doi 10.22077/vssd.2022.5244.1103



An Analysis of Local Governance Level in the Villages of Tonekabon County

Ali Foladi Nashta^{1*}, Mohamadreza Rezvani², Seyed ali Badri³

1. PhD student in Geography and Rural Planning, Kish International Campus, University of Tehran, Tehran, Iran.
2. Professor, Department of Human Geography, Faculty of Geography, University of Tehran, Tehran, Iran.
3. Associate Professor, Department of Human Geography, Faculty of Geography, University of Tehran, Tehran, Iran.

*Corresponding author, Email: alifoladi995@gmail.com

Keywords:

Rural Development, Local Governance, Rural Management, Tonekabon County

Abstract

Governance is the art of guiding organizations and communities. What determines the local nature of governance is the degree of participation in achieving the goals and needs of the local community. The aim of this study was to analyze the level of local governance and its determining factors in the villages of Tonekabon County, using a descriptive-analytical approach. The population of the study included two groups of institutions in charge of rural management (including 50 village governors, members of Islamic councils, and experts in district governance) and 384 heads of households in 36 villages of more than 50 households in Mir Shams-ol-Din, Golijan, Tameshkol, Kotri, and Baladeh rural districts. To analyze the level of rural local governance, one-sample t-test and TOPSIS were used, and to analyze the factors affecting rural governance, Pearson correlation coefficient and multivariate linear regression were used. The indicators of local governance include participation, legitimacy, accountability, responsibility, justice, consensus, transparency, efficiency and effectiveness, and the factors affecting local governance include internal factors (organizational features and manpower) and external factors (spatial location, social and cultural features, and economic features). The results showed that local governments are not in a good position in terms of local governance indicators with an average score of 2.9. Furthermore, the level of local governance is average in 61.1% of villages. At the same time, the results of regression show that internal factors and external factors account for 76.6% and 96.4% of changes in rural governance, respectively. In terms of internal factors, the degree of district governance, the income of district governance, age and experience of village governors with a standard coefficient of 0.768, 0.379, and 0.232, respectively, and in terms of external factors, village area, village population, and population density with a standard coefficient of 0.411, 0.361, and 0.223, respectively are the most important variables affecting rural governance.

Received:

09/Apr/2022

Accepted:

28/Jun/2022

How to cite this article:

Foladi Nashta, A., Rezvani, M., Badri, S. A. (2022). An Analysis of Local Governance Level in the Villages of Tonekabon County. *Village and Space Sustainable Development*, 10.22077 .19 -1 ,(3)3/vssd.2022.5244.1103





فصلنامه روستا و توسعه پایدار فضا

دوره سوم، شماره سوم، پیاپی یازدهم، پائیز ۱۴۰۱، صفحات ۱۹ - ۱

doi: 10.22077/vssd.2022.5244.1103

تحلیل سطح حکمروایی محلی روستاهای شهرستان تنکابن

علی فولادی نشتا^{۱*}، محمد رضا رضوانی^۲، سیدعلی بدری^۳

۱. دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، پردیس بین المللی کیش، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۲. استاد گروه جغرافیای انسانی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۳. دانشیار گروه جغرافیای انسانی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

* نویسنده مسئول، ایمیل: alifoladi995@gmail.com

چکیده

حکمروایی هنر هدایت سازمان‌ها و جوامع است. آنچه تعیین کننده محلی بودن حکمروایی است، میزان مشارکت برای تحقق اهداف و خواسته های جامعه محلی است. مطالعه حاضر با هدف تحلیل سطح حکمروایی محلی و عوامل موثر بر آن در روستاهای شهرستان تنکابن با رویکرد تحقیق توصیفی-تحلیلی انجام شد. جامعه آماری تحقیق شامل دو گروه نهادهای متولی مدیریت روستایی (شامل ۵۰ تن از دهیاران و با اعضای شوراهای اسلامی و کارشناسان بخشداری) و ۳۸۴ تن از سرپرستان خانوار ساکن در ۳۶ روستا از روستاهای بالای ۵۰ خانوار دهستان‌های میرشمس الدین، گلیجان، تمشکل، کتری و بلده بوده است. به منظور تحلیل سطح حکمروایی محلی روستایی از آماره t تک نمونه ای و فن تاپسیس و به منظور تحلیل عوامل موثر بر حکمروایی روستایی از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون خطی چند متغیره استفاده شد. شاخص های حکمروایی محلی شامل مشارکت، قانونمندی، پاسخگویی، مسئولیت پذیری، عدالت محوری، توافق جمعی، شفافیت و کارایی و اثربخشی و عوامل موثر بر حکمروایی محلی شامل عوامل درونی (خصوصیات سازمانی، نیروی انسانی) و عوامل بیرونی (موقعیت مکانی-فضایی، ویژگی های اجتماعی و فرهنگی، ویژگی های اقتصادی) می باشد. نتایج نشان داد حکومت های محلی در زمینه شاخص های حکمروایی محلی با میانگین نمره ۲٫۹ از وضعیت مناسبی برخوردار نیستند. همچنین سطح حکمروایی محلی در ۶۱٫۱ درصد روستاها در سطح متوسط قرار دارد. در عین حال نتایج تحلیل رگرسیون نیز نشان می دهد که عوامل درونی ۷۶٫۶ درصد و عوامل بیرونی ۹۶٫۴ درصد از تغییرات حکمروایی روستایی را تبیین می کنند. در زمینه عوامل درونی درجه دهیاری، درآمد دهیاری، سن و تجربه دهیار با ضریب استاندارد ۰/۷۶۸؛ ۰/۳۷۹ و ۰/۲۳۲ و در زمینه عوامل بیرونی مساحت روستا، جمعیت روستا، ثقل و تراکم جمعیتی با ضریب استاندارد ۰/۴۱۱؛ ۰/۳۶۱ و ۰/۲۳۳ مهمترین متغیرهای موثر بر حکمروایی روستایی به شمار می آیند.

واژگان کلیدی:

توسعه روستایی، حکمروایی محلی، مدیریت روستایی، شهرستان تنکابن

تاریخ دریافت:

۱۴۰۱/۰۱/۲۰

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۱/۰۴/۰۷

۱- مقدمه

غالب بودن برنامه ریزی پدرمآبانه و بخشی دولتی موجب وابستگی شدید مناطق روستایی به تصمیمات، اقدامات و منابع مالی و انسانی دولتی شده و این مسئله باعث شده تا روستائیان از کارکرد و نقش واقعی خود در خصوص توسعه روستایی بازمانند. علاوه بر این نهادهای متولی توسعه روستایی دیدگاه بخشی نگری و تعصب سازمانی را چاشنی فعالیت خویش کرده اند. چنین نگاهی به همراه حداکثر دخالت دولت علاوه بر حذف اجتماع محلی از تاثیرگذاری بر سرنوشت خویش، آنها را وابسته به تصمیمات و برنامه های عمدتاً دولتی کرده و سرانجام ناهماهنگی در فرآیند توسعه پایدار روستایی را دامن زده است (ضابطیان، ۱۳۸۳). امروزه با توجه به پیچیده بودن مسائل و مشکلات مناطق روستایی، مدیریت سنتی دیگر پاسخگوی اداره بهینه روستا نیست؛ در نگرش جدید توسعه، هویت محلی، زیربنای مدیریت محلی و مدیریت محلی ابزار اصلی توسعه پایدار روستایی به شمار می روند. در واقع هویت محلی مبنای اصلی محلی گرایی و اداره محلی امور جامعه در قالب عنوان «مدیریت محلی» است، واژه ای که در بطن آن تمرکززدایی، خودگردانی، مشارکت محلی، مشروعیت محلی، توسعه محلی و خوداتکایی محلی نهفته است (شفیعی، ۱۳۷۹). مدیریت جدید روستایی، بر ظرفیت های جوامع محلی، با اداره دقیق مکان و بهره برداری از منابع آن متکی است. در مقطع کنونی با جهانی شدن ارتباطات و تمرکز سرمایه ها، کارکرد دقیق توسعه روستایی و محلی، مبارزه در مقابل احساسات نومیدی و فردگرایی است. مجموعه مدیریت باید با ارائه راهکارهای مفید و ابتکار در عمل برای سازندگی سرزمین تلاش کند (مطبعی لنگرودی، ۱۳۸۲، ۲۲۹). مدیریت محلی باید درک توسعه محلی، بروز ابتکارها، جمع گرایی و مشارکت در امور را آموزش دهد. یک مدیریت محلی کارآ، فکر کردن در محیط را می پروراند و عامل تحلیل مشکلات اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی فضاهای روستایی می شود. مدیریت جدید روستایی افزون بر ایجاد توسعه محلی عمل کردن را می آموزد و تمامی این موارد با توانمندی های جمعی موثر می گردد (همان، ۱۶۷). در سالهای اخیر رویکرد جدیدی در حوزه مدیریت مناطق روستایی با عنوان حکمروایی مطرح شده است و حکمروایی را عامل تعیین کننده دستیابی به توسعه معرفی کرده اند. حکمروایی شامل طیف وسیعی از ساخت مفاهیمی مانند توسعه پایدار، توسعه روستایی و شهری و پیشرفت اقتصادی و اجتماعی با رویکرد مشارکتی و شفافیت و به موازات ویژگی های غالب استراتژی های اجرای خط مشی و برنامه ریزی هاست (شریف زاده و قلی پور، ۱۳۸۲، ۹۵، استعلاجی، ۱۳۹۱، ۲۴۵). حکمروایی، فرایند مستمری است که از طریق آن منافع متعارض یا گوناگون می توانند با هم سازگار شوند و اقدام جمعی برای منفعت و مصلحت عمومی صورت گیرد. این تحقیق با هدف تحلیل سطح حکمروایی محلی و عوامل موثر بر آن در حکومت های محلی (دهیاری و شوراهای اسلامی) در روستاهای شهرستان تنکابن انجام شده است. نتایج این مطالعه می تواند راهگشایی باشد برای سیاست گذاران و برنامه ریزان عرصه مدیریت روستایی، تا با فراهم ساختن بسترهای لازم، موجبات موفقیت نهادهای محلی مدیریت روستایی را در مسیر گذر از چالش های مدیریتی مهیا سازد. بدین ترتیب، ضمن امکان تجزیه و تحلیل مدیریت محلی روستاها، بسترهای مشارکت مردم محلی در مدیریت پایدار روستایی تحقق خواهد یافت.

۲- بنیان نظریه ای

حکمروایی به معنی فرآیند تصمیم گیری و اجرای آن، مجموعه ای از ارزش ها، هنجارها، فرآیندها و نهادها را در بر می گیرد که از طریق آنها مدیریت توسعه جامعه، به طور رسمی و غیررسمی صورت می گیرد. حکمروایی هم با مسئولیت حکومت و هم با تعهد شهروندان ارتباط دارد. حکمروایی فراتر از حکومت و حاصل جمع روش های گوناگونی است که افراد، نهادها، بخش خصوصی و دولتی، امور مشترک خود را اداره می کنند. حکمروایی هنر هدایت سازمان ها و جوامع است. آنچه تعیین کننده محلی بودن حکمروایی است، میزان مشارکت برای تحقق اهداف و خواسته های جامعه محلی است (احمدی، ۱۳۹۳: ۱۵۲). حکمروایی عبارت است از فرآیند و نهادهایی که به موجب آنها، اقتدار در یک کشور اعمال می شود.

حکمروایی، ساز و کارها، فرآیندها و نهادهایی را در بر می گیرد که از طریق آنها گروه ها علایق خود را ابراز نموده، اختلاف هایشان را حل و فصل می کنند و از حقوق و الزامات قانونی خود بهره مند می شوند (پاداش و جهانشاهی، ۱۳۸۶: ۷۲). حکمروایی به ساده ترین بیان به چگونگی ارتباط بین شهروندان و حکومت اشاره دارد. در نظریه حکمروایی، کارآمدی حکومت تابعی از چگونگی ارتباط شهروندان با حکومت است. برنامه عمران ملل متحد، حکمروایی را چنین تعریف می کند، اعمال اقتدار اقتصادی، سیاسی و اداری برای اداره امور کشور در تمام سطوح قلمرویی شامل ابزارهایی که حکومت با آنها انسجام و یکپارچگی اجتماعی را ترویج می دهد و رفاه و بهگشت زندگی مردم را تضمین می نماید.

قدمت و منشا تاریخی مفاهیم حکمروایی به عصر روشنگری و لیبرالیسم غربی بر می گردد. اما ریشه های آن در مباحث تئوریک و عملی توسعه در اواخر قرن بیستم مطرح شد (توکلی نیا اسکندری پور و برغمندی، ۱۳۹۱-۱۳۶۰). حکمروایی را نخست، پژوهشگران شهری در دهه ۱۹۸۰ مطرح کردند. آنان معتقد بودند که قدرت حکومت محلی منتخب از طریق مشارکت روزافزون بخش خصوصی در سیاست گذاری شهری و ایجاد مؤسساتی که عهده دار مسئولیت حوزه هایی مانند توسعه اقتصادی باشند، به مصلحت عموم مردم است. بنابراین، تا مدت ها، نظام حکمروایی محلی جدید به طور تویحی پدیده ای اساسا شهری قلمداد می شد. با این همه، فرآیندهایی مشابه نیز تقریبا به طور غیر رسمی در نواحی روستایی عمل می کردند (بدری و همکاران، ۱۳۹۰، ۷۴).

در حکمروایی محلی، شبکه ای از کنشگران حکومت محلی، بخش خصوصی، تشکل های غیردولتی، مدنی و نمایندگان دولت مرکزی، اولویتها و مسائل محلی را شناسایی و برای تحقق خواستها و رفع مشکلات با یکدیگر تشریک مساعی می کنند (زاهدی، ۱۳۸۶، ۱۸۳). بنابراین حکمروایی محلی اعمال اقتدار سیاسی، اقتصادی و اداری در مدیریت امور جامعه محلی و شامل ساز و کارها و جریان ها و نهادهایی است که از طریق آنها شهروندان و گروه ها علائق شان را ابراز و حقوق قانونی شان را اعمال می کنند، تعهدات شان را انجام میدهند و به تعدیل تفاوت های شان می پردازند (زیست بوم سازمان ملل، ۲۰۰۲، ۹). حکمروایی روستایی یعنی این که مردم باید به سطحی از توسعه فردی دست یابند که به آنها امکان و انتخاب بر اساس خواست های خود را بدهد. حکمروایی روستایی اصطلاحی است برای توصیف هموار کردن راه مشارکت روستاییان برای تلاش در جهت دستیابی به اهداف توسعه روستایی (رحمانی فضلی، ۱۳۹۴، ۴۶). حکمروایی محلی به کیفیت اداره امور محلی در مناطق روستایی اشاره دارد؛ مدیریتی که به وسیله شوراها و دهیاران به عنوان مدیران محلی قابل اجراست. به طوری که با مشارکت مردمی و دخیل کردن مردم در فرایند تصمیم گیری ها و تصمیم سازی ها و تعیین خواسته های محلی در جهت تحقق این خواسته ها در جامعه محلی قدم برمی دارند؛ بنابراین تشکیل شوراهای اسلامی شهر و روستا و دهیاران روستایی زمینه مناسبی را برای تحقق حکمروایی خوب فراهم آورده است (عظیمی آملی و همکاران، ۱۳۹۰، ۳). بنابراین حکمروایی محلی اعمال اقتدار سیاسی، اقتصادی و اداری در مدیریت امور جامعه محلی و شامل سازوکارها و جریان و نهادهایی است که از طریق آنها شهروندان و گروه ها و علایق شان را ابراز و حقوق قانونی شان را اعمال می کنند. تعهدات شان را انجام می دهند و به تعدیل تفاوت هایشان می پردازند (دربان آستانه و همکاران، ۱۳۸۹، ۱۰۱). در این راستا تحقق حکمروایی محلی به عنوان مفهومی جدید در مدیریت روستایی از آن جهت اهمیت دارد که نظام مدیریت در سال های اخیر به دنبال پیاده کردن نقش پررنگ تری برای مشارکت مردم در تمامی سطوح کشور از جمله سکونتگاه های روستایی است.

مکتبها و نظریه های مرتبط با حکمروایی محلی و مدیریت روستایی را می توان با پیروی از طبقه بندی تاریخی، در سه مکتب مطرح کرد: نخست، مکتب کلاسیک ها که با تقسیم کار، سلسله مراتب، حیطة نظارت و ساختار منطقی سر و کار داشتند. دوم مکتب نئوکلاسیک ها که با نهضت روابط انسانی شناخته می شوند. سوم؛ مکتب سیستمی که سازمان را همچون سیستمی با متغیرهای وابسته به محیط توصیف می کند و آن را در سطحی بالاتر از دو مکتب قبلی قرار میدهد (الوانی، ۱۳۸۴: ۲۲).

نگرش سیستمی: در نگرش سیستمی سازمان را به صورت یک واحد و یک سیستم منسجم، یکپارچه

و هدفداری که از اجزای مختلف به هم پیوسته تشکیل شده است مورد توجه قرار می دهند. نظریه سیستم ها بیانگر این مطلب است که فعالیت هر بخش از سازمان به مقیاسی مختلف و متفاوت، بر فعالیت سایر بخش ها اثر می گذارد (استونر، ۱۳۷۹: ۷۱). در تفکر سیستمی سازمان به صورت یک منظومه واحد که متشکل از اجزاء مرتبط و متعامل است در نظر گرفته می شود و اصل وابستگی متقابل مهمترین خاصیت آن را تشکیل می دهد. اگر اجزاء و عناصر تشکیل دهنده ی سازمان را به تنهایی مورد بررسی قرار دهیم سازمان را نشناخته ایم. زیرا آنچه سازمان را به صورت یک مجموعه واحد در می آورد، همانا روابط متقابل بین اجزاء و عناصر آن است (الوانی، ۱۳۸۴: ۲۲ و ۲۳). ناکامی های مدیریتی و برنامه ریزی در دهه های گذشته عاملی برای اتخاذ یک نگاه سیستمی شده است (ریاحی و دارویی، ۱۳۹۳: ۴۳۶). چنانچه سکونتگاه های روستایی نقش خود را درست ایفا نکنند سیستم کلان مدیریت دچار مشکل می شوند. به همین دلیل باید برای روستا به صورت سیستماتیک برنامه ریزی شود که این نوع برنامه ریزی منجر به آمایش سرزمین می شود.

نظریه اقتضایی: تئوری اقتضایی که برگرفته شده از مکتب سیستمی در مدیریت است، مطلق گرایی در مدیریت را خطا دانسته و مطلوبیت هر شیوه و روشی را در مدیریت وابسته به شرایط و موقعیتی می داند که در آن زمان و مکان سازمان را احاطه کرده است. در این تئوری مطلوب بودن شیوه های مدیریت بستگی به موقعیت داشته و شیوه ای که در یک موقعیت مطلوب و مناسب است ممکن است در موقعیتی دیگر نامطلوب و نامناسب باشد. از این رو این نوع نظریه ها را تئوری «بستگی دارد» نیز نامیده اند (الوانی، ۱۳۸۴: ۲۴). نظریه اقتضایی در مدیریت روستایی بیانگر این نکته است که مدیریت تک روستایی و تک بعدی دیدن، مبین توسعه روستایی نیست لذا شیوه مدیریت روستایی باید متناسب با موقعیت روستا و شرایط حاکم بر آن، چند وجهی شود که در اینجا مدیریت سطوح مطرح می شود.

نظریه نهادگرایی: نظریه نهادگرایی، سازمان ها را به لحاظ میزان ارتباط و پاسخگویی به محیط نهادی و ارزشی بررسی می کند و هر چه این ارتباط گسترده تر باشد میزان و درجه نهادی بودن آن سازمان بیشتر می شود (قمری، ۱۳۹۲: ۱۹). روی آوردن به رویکرد نهادی در مباحث توسعه محلی و منطقه ای اگر چه در سطح کلان ناشی از بازگشت به رویکرد نهادی و ظهور نهادگرایی جدید در مباحث توسعه به ویژه توسعه اقتصادی است اما در زمینه توسعه محلی و منطقه ای در واقع ناتوانی رویکردهای کلاسیک توسعه محلی و منطقه ای و شکست آنها در تبیین چرایی نابرابری های منطقه ای و ارائه راه کارهای مناسب برای از بین بردن این نابرابری ها بود که باعث روی گردانی از آن رویکردها و روی آوردن به رویکردهای نهادی شد (افتخاری و بدری، ۱۳۹۱: ۱۴۴). نظریه نهادگرایی یا نهادسازی در ارتباط مستقیم با توسعه روستایی قرار دارد و باعث می شود که در بین عوامل مؤثر بر توسعه روستایی به جای رویکرد نقطه ای، با یک رویکرد منطقه ای به توسعه روستایی نگاه شود که این نوع نگرش باعث توسعه درون زا و پایین به بالا و همچنین استفاده از شبکه ها در مدیریت توسعه روستایی می شود.

نظریه توسعه یکپارچه: اندیشه توسعه یکپارچه یا همه جانبه روستایی اصولاً بر این اصل اساسی استوار است که سکونتگاه های روستایی همچون تمام پدیده ها و واحدهای مکانی - فضایی در واقع نظام هایی هستند که اجزای آن با یکدیگر در کنش متقابل بوده، هر گونه تغییری در یک جزء به سایر اجزاء منتقل می شود و بنابراین اجزای گوناگون باید به گونه ای هماهنگی در جهت اهداف نظام عمل کنند. اگر جزء یا بخشی از نظام، تحت تأثیر نیروهای فعال شود، اما با سایر اجزاء یا بخشها هم سو نباشد، عملکرد نظام در کل مطلوب نخواهد بود. بدین ترتیب، رویکرد توسعه یکپارچه روستایی، اصولاً رویکردی سیستمی به شمار می رود (مولایی هاشجین و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۶). یکپارچگی فضایی در قالب رویکرد نظام وار (سیستمی)، سکونتگاه های روستایی را در مقیاس های گوناگون نقطه ای، محلی، ناحیه ای و منطقه ای و ملی، و البته همه جا به عنوان نظام های باز، مورد توجه قرار می دهد (سعیدی، ۱۳۹۳: ۵۵۴). در این راهبرد برای دستیابی به هدف، هماهنگی بیشتر در مراحل برنامه ریزی و اجرای طرح های توسعه مورد

تأکید است و کوشش هماهنگ کلیه دستگاه‌های مشارکت کننده در طرح‌ها و برنامه‌ها مورد توجه است. در این تفکر بر کلیدی بودن نقش مردم و تأثیر گذاری آنها در فرآیند فکر و اجرا تأکید خاصی گردیده و تحلیل جامع منابع تولید در مقیاس منطقه ای و نیز پیوند افقی و عمودی برنامه‌ها، بسیار مورد توجه قرار می‌گیرد (قمری، ۱۳۹۲: ۲۵). در بسیاری از سازمان‌ها و ارگان‌های متولی برنامه ریزی و مدیریت توسعه روستایی، دیوان سالاری دست و پاگیری حاکم است. آنها دارای اختیارات سلسله مراتبی متمرکز، دوایر مربوط به رشته‌های تخصصی و رویه‌های به‌هنجار شده‌ای هستند. نهادهای مردمی نقش حاشیه‌ای و پذیرنده را بازی می‌کنند و نقش بسیار کمی را در مراحل توسعه و پیشرفت دارند (بدری، ۱۳۹۰: ۱۶۸).

نظریه ظرفیت نهادی محلی/منطقه‌ای: این نظریه بر ظرفیت سازی در بین روستاییان برای ایفای نقش مؤثر در فرآیند توسعه پایدار روستایی تأکید دارد. برای دستیابی به توسعه پایدار در روستا، باید به ظرفیت سازی و توانمندسازی عامل انسانی و سازمان‌های محلی توجه کرد و شرایطی را فراهم آورد تا مردم محلی آموزش داده شوند. برای تحقق این امر، لازم است تا سازمانها و نهادهای غیر دولتی و محلی شکل گیرند، در این صورت توانایی اشخاص، اجتماعات محلی و نهادها در انجام کارها بالا می‌رود. ظرفیت سازی نه تنها فردی، بلکه باید گروهی، سازمانی و اجتماعی هم باشد. در هر صورت اهمیت توانمند ساختن اجتماعات محلی و ظرفیت سازی در روستا، برای دستیابی به توسعه، امروزه امری آشکار است که جوامع برای دستیابی به توسعه باید آن را به عنوان یکی از فاکتورهای مؤثر در نظر داشته باشند (الله پناه، ۱۳۹۳: ۱۳۸).

نظریه مبارزه پویا: نگرش مبارزه پویا در زمره پدیده‌هایی قرار می‌گیرد که پیوسته شکل یا ظاهر مدیریت را تغییر می‌دهد. این نگرش ما را به چالش می‌طلبد تا سازمان و مدیریت را جزء جدانشدنی از جامعه نوین جهانی بدانیم (استونر، ۱۳۷۹: ۸۱). در این نگرش، پویا (نقطه مقابل ایستا) به معنی این است که پیوسته شاهد رشد، تغییر و جنب و جوش هستیم. مبارزه (نقطه مقابل رخوت) بدین معنی است که درگیری بین اعضا بسیار شدید است. طرفداران این نظریه معتقدند که عبارت مبارزه پویا به بهترین شکل می‌تواند شیوه‌هایی که مدیران موفق کنونی درباره روابط انسانی می‌اندیشند و به سرعت خود را با شرایط در حال تغییر وفق می‌دهند، منعکس نماید (استونر، ۱۳۷۹: ۷۷).

نظریه حکمروایی مطلوب: این مفهوم یکی از مباحث بسیار مهم و در عین حال جدیدی است که از دهه ۱۹۸۰ به بعد در ادبیات توسعه از جمله در حوزه مباحث اقتصاد خرد مطرح شده و یکی از زیر شاخه‌های اصلی نظریه نهادگرایی است. نهادگرایان، مشکل توسعه نیافتگی را نهادهای نامناسب میدانند و حکمروایی مطلوب با اصلاح نهادها، ساز و کارهای تخصیص منابع را از طریق بازار تقویت می‌کند. از نشانه‌های حکمروایی مطلوب، شفافیت، پاسخگویی، انعطاف پذیری، تشخیص موقعیت آتی و حاکمیت قانون است که می‌تواند باعث انسجام اجتماعی، افزایش مشروعیت دولت و رشد اقتصادی شود و زمینه دستیابی به توسعه پایدار را فراهم کند. البته لازمه رسیدن به این اهداف اصلاح نهادها و تغییرات اساسی در روش و رویه‌هاست. چنین تغییراتی بسیار زمان بر بوده و برای به ثمر رسیدن، نیازمند تعهدات بلندمدت مقامات بلند پایه کشورها، شناخت عمیق و حمایت گسترده‌ی آنان است (قمری، ۱۳۹۲: ۲۲). در این رویکرد (حکمروایی)، تصمیم‌گیری‌های مربوط به روستا با اجماع کل صاحبان منافع دخیل صورت می‌گیرد. برای هموارسازی بستر تحقق چنین نگرشی وفاق‌گرایی، مشارکت، پاسخگویی و شفافیت، کارایی و اثربخشی توسط مدیریت مشارکتی امری ضروری است. در این معنا مفهوم حکمروایی بر همیاری حکومت و جامعه مدنی مبتنی است. این مفهوم بر این اصل بنیادی استوار است که حکومت‌ها به جای آن که به تنهایی مسئولیت کامل اداره جامعه را در تمام سطوح آن بر عهده گیرند، بهتر است در کنار شهروندان، بخش خصوصی و نهادهای مردمی، به عنوان یکی از نهادها یا عوامل مسئول اداره جامعه محسوب شوند. با این تعییر، حکومت نقش تسهیل کننده و زمینه ساز توسعه جامعه را در سطوح ملی، محلی و روستایی ایفا می‌کند (عزیزپور، ۱۳۹۳: ۵۲).

در این زمینه در سال‌های گذشته مطالعات گسترده‌ای در سطح داخلی و خارجی انجام شده است. نتایج

مطالعه داگلاس. ۲۰۲۰؛^۱ با عنوان «بازساخت حکمروایی محلی در مناطق روستایی: چشم انداز توسعه روستایی»؛ نشان داد که مناطق روستایی برای دستیابی به اهداف چشم انداز مطلوب خود در فرآیند توسعه روستایی، نیازمند برخورداری از اصول حکمروایی خوب به ویژه در زمینه مدیریت روستایی می باشند. برای این منظور، مدیریت روستایی نیازمند بازساخت و تحول بر اساس ساختارهای حکمروایی خوب می باشد. همچنین نتایج مطالعه سوزان، ۲۰۱۹؛^۲ تحت عنوان «تغییر پارادایم حکمروایی روستایی برای توسعه پایدار نشان داد که یکی از وظایف حکومت ها، توانمندسازی اجتماعی فقراست (IT و GIS) یکی از ابزارهایی است که می تواند در ارتقای اطلاعات مردم روستایی و افزایش سطح زندگی آنان نقش بازی کند. GIS نقش مهمی در حکمروایی روستایی بازی می کند به خصوص با تمرکز بر رویکرد توسعه روستایی به منظور رفع مشکلات ناشی از فقر و کاهش منابع طبیعی و همین طور در برجسته سازی نیازهای مردم روستایی، ارتباط مردم با مقامات محلی، افزایش و ارتقای کیفیت زندگی مردم روستایی و در نهایت تلاش برای توسعه روستایی و کاهش فقر. نتایج مطالعه باکین، ۲۰۱۸^۳ با عنوان «حکمرانی محلی: یک مدل مدیریت پایدار منابع روستایی در جهان سوم» نشان داد، روستاها در کشورهای جهان سوم در معرض انواع ناپایداری های محیطی می باشند. لذا مدیریت موثر و کارآمد روستایی می تواند در کنترل ناپایداری های زیست محیطی تاثیرگذار باشد. در این راستا برخورداری مدیران روستایی از شیوه مدیریت و حکمرانی محلی مشارکتی می تواند در مشارکت جویی مردم محلی برای مدیریت مناسب و پایدار منابع موثر باشد. همچنین در سطح داخلی نیز حیدری ساربان (۱۳۹۸)؛ در مقاله خود با عنوان «ارزیابی الگوی مدیریت محلی روستایی با شاخص های حکمروایی خوب در شهرستان مشگین شهر» به این نتیجه رسید که شاخص های مشارکت اجتماعی و مسئولیت پذیری از کارکرد بیشتری در شکل گیری الگوی مطلوب مدیریت محلی روستایی شهرستان مشگین شهر تأثیر داشته و این شهرستان از لحاظ شاخص های حکمروایی مطلوب روستایی در وضعیت خوبی قرار دارد. همچنین قیداری و همکاران (۱۳۹۷) با عنوان «ارزیابی مدیریت محلی در مناطق روستایی با شاخص های حکمروایی مطلوب در روستاهای توابع شهرستان چناران» به این نتیجه رسیدند که در اکثر شاخص ها میانگین ها کمتر از حد متوسط بوده و از نظر روستاییان تحقق حکمروایی مطلوب در مدیریت روستایی، نیازمند وجود همبستگی بین شاخص ها می باشد. سنجرانی (۱۳۹۶)؛ در مطالعه «تحلیل میزان تحقق الگوی مناسب حکمروایی خوب در مدیریت روستایی (روستاهای شهرستان زهک)»، به این نتیجه رسید که بین میزان تحقق حکمروایی خوب در مدیریت روستایی و سطح توسعه اجتماعی و اقتصادی روستاهای منطقه زهک رابطه معناداری وجود دارد. دهقانی و شمس الدینی (۱۳۹۳) در پژوهشی تحت عنوان «تحلیلی بر روند حکمروایی مدیریت سنتی و نوین در جامعه روستایی ایران» به این نتیجه دست یافته اند: تشکیلات اداره روستاها و مدیریت روستایی در کشور طی چند دهه گذشته ثبات چندانی نداشته و همواره در معرض تغییر و تحول بوده است که این تحولات نشان دهنده این است که تغییرات موجود در هر مقطع زمانی نارسا بوده است. در واقع نداشتن متولی مشخص برای مدیریت کلان روستایی همچنان وجود دارد و پراکندگی مدیریت در امور روستایی، موازی کاری و تداخل وظایف دستگاه های اجرایی در این زمینه هنوز هم دیده می شود. افتخاری و همکاران (۱۳۹۱)؛ در مطالعه ی «ارائه الگوی مناسب حکمروایی خوب روستایی در ایران»؛ بر روی اصولی از جمله (مشارکت مردمی، پاسخگویی، مسئولیت پذیری، قانون محوری، شفافیت، کارایی و اثربخشی، عدالت و برابری، اجماع گرایی، مشروعیت بحث کرده و این اصول را مهمترین معیارهای حکمروایی خوب روستایی بیان می کند.

۳- روش، تکنیک ها و قلمرو

تحقیق حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر شیوه گردآوری اطلاعات تحقیق توصیفی و تحلیلی و به لحاظ

۱. Douglas

۲. Susan Age kam pong

۳. Barkin

شیوه جمع آوری اطلاعات پیمایشی است. جامعه آماری تحقیق شامل دو گروه نهادهای متولی مدیریت روستایی و سرپرستان خانوار ساکن در روستاهای بالای ۵۰ خانوار دهستان های میرشمس الدین، گلیجان، تمشکل، کتری و بلده بوده است. حجم نمونه نهادهای متولی شامل ۵۰ پرسشنامه در بین مدیران روستایی (دهیار یا شوراها) ۳۶ روستا و کارشناسان بخشداری و حجم نمونه خانوارهای ساکن شامل ۳۸۴ پرسشنامه سرپرست خانوار با روش کوکران و بصورت تصادفی بوده است.

جهت جمع آوری اطلاعات از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده است که با استفاده از مطالعات و پیشینه های تحقیق به دست آمده است. برای بررسی اعتبار پرسشنامه از روش صوری استفاده شده است. به این صورت که پرسشنامه در اختیار تعدادی از اساتید و کارشناسان این حوزه قرار گرفت و مورد تایید آنها قرار گرفت. برای بررسی پایایی پرسشنامه تعداد ۳۰ عدد پرسشنامه در محدوده مورد مطالعه توزیع گردید و نتایج آن با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ عدد ۰/۸ شد که عدد نسبتاً مناسبی می باشد و نشاندهنده همسانی درونی بالای سوالات آن می باشد. برای تجزیه و تحلیل داده های تحقیق از نرم افزار SPSS و EXCELL استفاده می گردد که شامل آمار توصیفی و تحلیلی نظیر فراوانی، درصد، انحراف معیار و میانگین و آمار استنباطی از آزمون T می باشند و برای رتبه بندی روستاها به لحاظ وضعیت حکمروایی از مدل آنتروپی شانون و فن TOPSIS استفاده شده است.

همچنین جهت بررسی ارتباط عوامل مرتبط با حکمروایی روستایی، از ضریب پیرسون و در جهت بررسی عوامل موثر بر حکمروایی روستایی از تحلیل رگرسیون چند متغیره استفاده شد. با توجه به اینکه بررسی حکمروایی روستایی در دو سطح نهادهای متولی (دهیاری، شوراها و بخشداری) و روستا (سرپرستان خانوار روستایی) انجام شد، بنابراین جهت یکسان سازی داده ها از میانگین داده های سرپرستان خانوار استفاده شد.

جدول ۱. شاخص های مورد استفاده در تحقیق

| مؤلفه | شاخص |
|-----------|---|
| مشارکت | مشارکت دادن مردم در تصمیم سازی ها |
| | مشارکت مردم در تصمیم گیری (مشورت) |
| | شرکت مردم در جلسه های عمومی روستا |
| | مشارکت مردم در ایجاد و تقویت نهادهای مدنی (تعاونی و NGOها) |
| مشارکت | مشارکت سیاسی (انتخابات شوراهای روستا) |
| | مشارکت مردم در فعالیت های عام المنفعه روستا (خودیاری و...) |
| | مشارکت مردم در سرمایه گذاری های اقتصادی روستا |
| وفاق مدنی | مشارکت مردم در کارهای بدون دستمزد مربوط به روستا (مشارکت یدی و ...) |
| | احترام اعضای شورا و دهیار به حقوق جمعی افراد (مالکیت زمین و ...) |
| | برخورد بی طرفانه اعضای شورا و دهیار در مقابل قانون (عدم وجود تبعیض یا جانبداری از افراد یا گروه خاص در روستا و ...) |
| | آگاهی اعضای شورا و دهیار از قانون و عرف محل |
| | پای بندی اعضای شورا و دهیار به قوانین و عرف محل (احترام به آداب و سنن، دانش بومی و ...) |
| | قانون محوری روستائیان چقدر |
| | تلاش اعضای شورا و دهیار در کنترل فساد (فساد اداری، اقتصادی و ...) در روستا |
| | تلاش اعضای شورا و دهیار در برقراری امنیت برای روستائیان |

| | |
|---------------|--|
| پاسخگویی | <p>تعهد مدیران روستا برای ارائه پاسخ قانع کننده به روستائیان</p> <p>شفافیت برنامه ها و اهداف مدیران و نهادهای مدنی روستا</p> <p>سازماندهی مدیران محلی در شیوه اجرای پاسخگویی</p> <p>رضایتمندی روستائیان از میزان دسترسی به خدمات</p> <p>رضایتمندی روستائیان از کیفیت دسترسی به خدمات</p> <p>رضایتمندی از عملکرد شوراهای اسلامی و نهادهای مدنی</p> <p>رضایتمندی از عملکرد دهیار</p> <p>رضایتمندی از عملکرد مدیران دولتی (بخشداری و فرمانداری)</p> |
| مسئولیت پذیری | <p>تمرکز دایمی (تفویض اختیار، واگذاری امور محلی به روستائیان) مدیران محلی</p> <p>آگاه سازی مردم توسط مدیران محلی</p> <p>توانمند سازی فردی و مهارتی روستائیان توسط مدیران محلی</p> <p>میزان احساس مسئولیت (فردی و جمعی) روستائیان</p> <p>اعتراف مدیران محلی به خطا و اشتباه مدیریتی خود</p> |
| عدالت محوری | <p>برابری فرصت ها (برخورداری از شانس برابر در تمامی زمینه ها برای روستائیان و...)</p> <p>تخصیص بهینه منابع و امکانات</p> <p>تبعیض جنسیتی (درصد تعداد زنان در شورای اسلامی روستا و ...)</p> <p>تجهیز منابع (مدیریت کارآمد منابع و...)</p> <p>عدالت در اجرا (از بعد زمانی، مکانی، فردی، جمعی و ...)</p> <p>اعتقاد به حقوق شهروندی در روستا</p> |
| توافق جمعی | <p>نگرش و باور به کار جمعی در روستا</p> <p>رابطه بین مدیران روستا با مردم</p> <p>دستیابی به توافقات گسترده بین گروه‌های مختلف در روستا</p> <p>رابطه و تعامل نهاد دولتی و خصوصی با مردم</p> <p>توافق جمعی مردم در خصوص موضوعات مهم روستا</p> <p>توافق جمعی محیط درون روستا با محیط بیرون روستا</p> <p>رضایتمندی روستائیان از منافع جمعی روستا</p> |
| شفافیت | <p>کنترل و پایش عملکرد مدیران روستایی (توسط مردم و نهادهای مدنی و...)</p> <p>تصمیم گیری های آشکار و پیدای مدیران روستایی</p> <p>مستندسازی اطلاعات مدیران روستایی</p> <p>آگاهی برای شفافیت تصمیمات مدیران روستا</p> <p>رعایت اخلاقیات و صداقت مدیران روستا</p> |

استفاده از منابع در دسترس
 بهبود مستمر اقدامات و فعالیت ها در روستا
 کاهش مستمر هزینه های روستا
 نهادینه کردن فرهنگ توانمندسازی
 افزایش مستمر کیفیت مهارت‌ها و کارآفرینی ها در روستا
 بهبود فرآیند برنامه ریزی و تصمیم گیری در روستا

منابع: سنجرانی، ۱۳۹۶؛ رضوانی و همکاران، ۱۳۸۹؛ یافته های تحقیق

شهرستان تنکابن یکی از شهرستان‌های استان مازندران می باشد که در غرب این استان واقع شده است. این شهرستان از سمت غرب به شهرستان رامسر، از شمال به دریای خزر، از شمال شرق به شهرستان عباس آباد و از جنوب شرق به شهرستان کلاردشت، از جنوب در مجاورت استان قزوین واقع شده است. براساس نتایج آخرین سرشماری آماری استان مازندران در سال ۱۳۹۵، شهرستان تنکابن (بعد از شهرستان های ساری، بابل، آمل، قائم شهر و بهشهر) با ۱۶۶۱۳۲ نفر جمعیت بعنوان ششمین شهرستان پرجمعیت استان و پرجمعیت‌ترین شهرستان غرب مازندران با مساحت ۱۷۳۲/۲ کیلومتر مربع می باشد (سالنامه آماری استان مازندران، ۱۳۹۷). براساس آخرین تقسیمات کشوری در سال ۱۳۹۷، شهرستان تنکابن دارای ۴ نقطه شهری، ۳ بخش (نشتا، مرکزی و خرم آباد) ۷ دهستان و ۲۴۳ آبادی دارای سکنه بوده است.

۴- یافته‌ها و تحلیل داده

نتایج حاصل از یافته های توصیفی پژوهش منتج از ۳۸۴ پرسشنامه دریافت شده از سرپرستان خانوار نشان داد که بیشترین پاسخ دهندگان را مردان با ۸۴٫۵ درصد (۳۲۴ نفر) تشکیل داده اند. همچنین از بین پنج گروه سنی بیشترین پاسخگویان مربوط به رده سنی ۴۰ تا ۵۰ سال با ۳۰٫۲ درصد (۱۱۰ نفر) بوده اند. شغل اصلی بیشتر پاسخگویان کشاورزی با ۵۸٫۶ درصد (۲۲۵ نفر) بوده است. نتایج یافته های توصیفی شاخص های مورد مطالعه نشان داد که شاخص قانونمندی اعضای شورا و دهیاری با میانگین ۳/۱ دارای بیشترین میانگین بوده است. بعد از آن شاخص های پاسخگویی مدیران محلی، مسئولیت پذیری مدیران محلی، عدالت محوری و شفافیت با میانگین نمره ای ۳ در رتبه دوم قرار گرفته اند. همچنین شاخص مشارکت مردم روستا با میانگین ۲/۶۳ کمترین میانگین در بین سایر شاخص ها بوده است. بنابراین در زمینه مشارکت مردم، روستاهای مورد مطالعه تحقیق از وضعیت مناسب برخوردار نیستند. در بین مولفه های این شاخص، مشارکت در تقویت نهادهای مدنی و مشارکت در کارهای بدون دستمزد کمترین میانگین را به خود اختصاص داده اند.

جدول ۲. نتایج آزمون t تک نمونه ای

| مولفه | میانگین | انحراف معیار | آماره آزمون t | سطح معناداری |
|---------------|---------|--------------|---------------|--------------|
| مشارکت | ۲/۶۳ | ۰/۵۸۰ | ۴۵/۰۰۲ | ۰/۰۰۰ |
| قانونمندی | ۳/۱ | ۰/۶۲۱ | ۲۷/۴۱۹ | ۰/۰۰۰ |
| پاسخگویی | ۳ | ۰/۶۰۹ | ۳۰/۵۰۷ | ۰/۰۰۰ |
| مسئولیت پذیری | ۳ | ۰/۶۷۰ | ۲۹/۰۴۷ | ۰/۰۰۰ |
| عدالت محوری | ۳ | ۰/۶۰۰ | ۳۲/۲۰۲ | ۰/۰۰۰ |
| توافق جمعی | ۲/۸۴ | ۰/۵۸۱ | ۳۷/۴۶۷ | ۰/۰۰۰ |
| شفافیت | ۳ | ۰/۶۰۰ | ۳۷/۵۳۱ | ۰/۰۰۰ |

| | | | | |
|------------------|-----|-------|--------|-------|
| کارایی و اثربخشی | ۲/۷ | ۰/۶۳۰ | ۳۹/۴۰۴ | ۰/۰۰۰ |
| کل | ۲/۹ | | | |

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۰

سطح بندی و تحلیل وضعیت حکمروایی روستایی

یکی از اهداف تحقیق حاضر، سطح بندی و ارزیابی سطح حکمروایی روستایی در روستاهای مورد مطالعه است، بنابراین در مرحله اول روستاهای مورد مطالعه با استفاده از فن «شباهت به گزینه مطلوب» در تمامی بخش‌ها رتبه بندی شدند که نتایج در سه سطح ضعیف، متوسط و مناسب در جدول می باشد. بر این اساس حکمروایی روستایی در ۲۲/۲ درصد روستاها (تعداد ۸ روستا) با امتیاز بین ۰/۱۷۷ تا ۰/۳۸۹ در سطح ضعیف، و در ۶۱/۱ درصد روستاها (تعداد ۲۲ روستا) با امتیاز بین ۰/۳۸۹ تا ۰/۶۰۱ در سطح متوسط و در ۱۶/۷ درصد روستاها (تعداد ۶ روستا) با امتیاز ۰/۶۰۱ تا ۰/۸۱۴ در سطح مناسب می باشد.

جدول ۳: سطح بندی حکمروایی روستاها بر اساس فن تاپسیس در کل شاخص‌ها

| درصد | فراوانی | امتیاز | |
|------|---------|----------------|-----------|
| ۲۲/۲ | ۸ | ۰/۱۷۷ تا ۰/۳۸۹ | سطح ضعیف |
| ۶۱/۱ | ۲۲ | ۰/۳۸۹ تا ۰/۶۰۱ | سطح متوسط |
| ۱۶/۷ | ۶ | ۰/۶۰۱ تا ۰/۸۱۴ | سطح قوی |
| ۱۰۰ | ۳۶ | | جمع |

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۰

شاخص مشارکت

با توجه به نتایج، در شاخص مشارکت، حکمروایی روستایی در ۱۶/۷ درصد روستاها (تعداد ۶ روستا) با امتیاز بین ۰/۱۱۶ تا ۰/۴۰۰ در سطح ضعیف، و در ۶۳/۹ درصد روستاها (تعداد ۲۳ روستا) با امتیاز بین ۰/۴۰۰ تا ۰/۶۸۴ در سطح متوسط و در ۱۹/۴ درصد روستاها (تعداد ۷ روستا) با امتیاز ۰/۶۸۴ تا ۰/۹۶۸ در سطح مناسب می باشد.

جدول ۳. سطح بندی حکمروایی روستاها بر اساس فن تاپسیس در شاخص مشارکت

| درصد | فراوانی | امتیاز | |
|------|---------|----------------|-----------|
| ۱۶/۷ | ۶ | ۰/۱۱۶ تا ۰/۴۰۰ | سطح ضعیف |
| ۶۳/۹ | ۲۳ | ۰/۴۰۰ تا ۰/۶۸۴ | سطح متوسط |
| ۱۹/۴ | ۷ | ۰/۶۸۴ تا ۰/۹۶۸ | سطح قوی |
| ۱۰۰ | ۳۶ | | جمع |

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۰

شاخص قانونمندی

با توجه به نتایج، در شاخص قانونمندی، حکمروایی روستایی در ۵۵/۶ درصد روستاها (تعداد ۲۰ روستا) با امتیاز بین ۰/۱۷۲ تا ۰/۴۴۸ در سطح ضعیف، و در ۴۱/۷ درصد روستاها (تعداد ۱۵ روستا) با امتیاز بین ۰/۴۴۸ تا ۰/۷۲۹ در سطح متوسط و تنها در ۲/۸ درصد روستاها (تعداد ۱ روستا) با امتیاز ۰/۷۲۹ تا ۱ در سطح مناسب می باشد.

جدول ۴: سطح بندی حکمروایی روستاها بر اساس فن تاپسیس در شاخص قانونمندی

| درصد | فراوانی | امتیاز | |
|------|---------|----------------|-----------|
| ۵۵/۶ | ۲۰ | ۰/۴۰۰ تا ۰/۱۱۶ | سطح ضعیف |
| ۴۱/۷ | ۱۵ | ۰/۶۸۴ تا ۰/۴۰۰ | سطح متوسط |
| ۲/۸ | ۱ | ۰/۹۶۸ تا ۰/۶۸۴ | سطح قوی |
| ۱۰۰ | ۳۶ | جمع | |

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۰

شاخص پاسخگویی

با توجه به نتایج، در شاخص پاسخگویی، حکمروایی روستایی در ۳۰/۶ درصد روستاها (تعداد ۱۱ روستا) با امتیاز بین ۰/۱۱۳ تا ۰/۳۸۵ در سطح ضعیف، و در ۵۸/۳ درصد روستاها (تعداد ۲۱ روستا) با امتیاز بین ۰/۳۸۵ تا ۰/۶۵۷ در سطح متوسط و در ۴ درصد روستاها (تعداد ۴ روستا) با امتیاز ۰/۶۵۷ تا ۰/۹۳۰ در سطح مناسب می باشد.

جدول ۵: سطح بندی حکمروایی روستاها بر اساس فن تاپسیس در شاخص پاسخگویی

| درصد | فراوانی | امتیاز | |
|------|---------|----------------|-----------|
| ۳۰/۶ | ۱۱ | ۰/۳۸۵ تا ۰/۱۱۳ | سطح ضعیف |
| ۵۸/۳ | ۲۱ | ۰/۶۵۷ تا ۰/۳۸۵ | سطح متوسط |
| ۱۱/۱ | ۴ | ۰/۹۳۰ تا ۰/۶۵۷ | سطح قوی |
| ۱۰۰ | ۳۶ | جمع | |

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۰

شاخص مسؤلیت پذیری

با توجه به نتایج، در شاخص مسؤلیت پذیری، حکمروایی روستایی در ۳۳/۳ درصد روستاها (تعداد ۱۲ روستا) با امتیاز بین ۰/۰۵۳ تا ۰/۲۶۲ در سطح ضعیف، و در ۴۷/۲ درصد روستاها (تعداد ۱۷ روستا) با امتیاز بین ۰/۲۶۲ تا ۰/۴۷۲ در سطح متوسط و در ۱۹/۴ درصد روستاها (تعداد ۷ روستا) با امتیاز ۰/۴۷۲ تا ۰/۶۸۱ در سطح مناسب می باشد.

جدول ۶: سطح بندی حکمروایی روستاها بر اساس فن تاپسیس در شاخص مسؤلیت پذیری

| درصد | فراوانی | امتیاز | |
|------|---------|----------------|-----------|
| ۳۳/۳ | ۱۲ | ۰/۲۶۲ تا ۰/۰۵۳ | سطح ضعیف |
| ۴۷/۲ | ۱۷ | ۰/۴۷۲ تا ۰/۲۶۲ | سطح متوسط |
| ۱۹/۴ | ۷ | ۰/۶۸۱ تا ۰/۴۷۲ | سطح قوی |
| ۱۰۰ | ۳۶ | جمع | |

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۰

شاخص عدالت محوری

با توجه به نتایج، در شاخص عدالت محوری، حکمروایی روستایی در ۳۰/۶ درصد روستاها (تعداد ۱۱ روستا) با امتیاز بین ۰/۱۱۴ تا ۰/۳۷۱ در سطح ضعیف، و در ۵۲/۸ درصد روستاها (تعداد ۱۹ روستا) با امتیاز بین ۰/۳۷۱ تا ۰/۶۲۷ در سطح متوسط و در ۱۶/۷ درصد روستاها (تعداد ۶ روستا) با امتیاز ۰/۶۲۷ تا ۰/۸۸۳ در سطح مناسب می باشد.

سطح مناسب می باشد.

جدول ۷. سطح بندی حکمروایی روستاها بر اساس فن تاپسیس در شاخص عدالت محوری

| درصد | فراوانی | امتیاز | |
|------|---------|----------------|-----------|
| ۳۰/۶ | ۱۱ | ۰/۱۱۴ تا ۰/۳۷۱ | سطح ضعیف |
| ۵۲/۸ | ۱۹ | ۰/۶۲۷ تا ۰/۳۷۱ | سطح متوسط |
| ۱۶/۷ | ۶ | ۰/۱۸۳ تا ۰/۶۲۷ | سطح قوی |
| ۱۰۰ | ۳۶ | جمع | |

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۰

شاخص توافق جمعی

با توجه به نتایج، در شاخص توافق جمعی، حکمروایی روستایی در ۲۷/۸ درصد روستاها (تعداد ۱۰ روستا) با امتیاز بین ۰/۱۱۵ تا ۰/۳۵۶ در سطح ضعیف، و در ۴۷/۲ درصد روستاها (تعداد ۱۷ روستا) با امتیاز بین ۰/۳۵۶ تا ۰/۵۹۸ در سطح متوسط و در ۲۵ درصد روستاها (تعداد ۹ روستا) با امتیاز ۰/۵۹۸ تا ۰/۸۳۹ در سطح مناسب می باشد.

جدول ۸: سطح بندی حکمروایی روستاها بر اساس فن تاپسیس در شاخص توافق جمعی

| درصد | فراوانی | امتیاز | |
|------|---------|----------------|-----------|
| ۲۷/۸ | ۱۰ | ۰/۱۱۵ تا ۰/۳۵۶ | سطح ضعیف |
| ۴۷/۲ | ۱۷ | ۰/۳۵۶ تا ۰/۵۹۸ | سطح متوسط |
| ۲۵ | ۹ | ۰/۵۹۸ تا ۰/۸۳۹ | سطح قوی |
| ۱۰۰ | ۳۶ | جمع | |

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۰

شاخص شفافیت

با توجه به نتایج، در شاخص شفافیت، حکمروایی روستایی در ۱۶/۷ درصد روستاها (تعداد ۶ روستا) با امتیاز بین ۰/۱۴۴ تا ۰/۴۲۸ در سطح ضعیف، و در ۶۹/۴ درصد روستاها (تعداد ۲۵ روستا) با امتیاز بین ۰/۴۲۸ تا ۰/۷۱۱ در سطح متوسط و در ۱۳/۹ درصد روستاها (تعداد ۵ روستا) با امتیاز ۰/۷۱۱ تا ۰/۹۹۴ در سطح مناسب می باشد.

جدول ۹. سطح بندی حکمروایی روستاها بر اساس فن تاپسیس در شاخص شفافیت

| درصد | فراوانی | امتیاز | |
|------|---------|----------------|-----------|
| ۱۶/۷ | ۶ | ۰/۱۴۴ تا ۰/۴۲۸ | سطح ضعیف |
| ۶۹/۴ | ۲۵ | ۰/۴۲۸ تا ۰/۷۱۱ | سطح متوسط |
| ۱۳/۹ | ۵ | ۰/۷۱۱ تا ۰/۹۹۴ | سطح قوی |
| ۱۰۰ | ۳۶ | جمع | |

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۰

شاخص کارایی و اثربخشی

با توجه به نتایج، در شاخص شفافیت، حکمروایی روستایی در ۲۲/۲ درصد روستاها (تعداد ۸ روستا) با

امتیاز بین ۰/۱۰۰۰ تا ۰/۳۰۲ در سطح ضعیف، و در ۴۴/۴ درصد روستاها (تعداد ۱۶ روستا) با امتیاز بین ۰/۳۰۲ تا ۰/۶۰۵ در سطح متوسط و در ۳۳/۳ درصد روستاها (تعداد ۱۲ روستا) با امتیاز ۰/۶۰۵ تا ۰/۹۰۷ در سطح مناسب می باشد.

جدول ۱۰. سطح بندی حکمروایی روستاها بر اساس فن تاپسیس در شاخص کارایی و اثربخشی

| درصد | فراوانی | امتیاز | |
|------|---------|-----------------|-----------|
| ۲۲/۲ | ۸ | ۰/۳۰۲ تا ۰/۱۰۰۰ | سطح ضعیف |
| ۴۴/۴ | ۱۶ | ۰/۶۰۵ تا ۰/۳۰۲ | سطح متوسط |
| ۳۳/۳ | ۱۲ | ۰/۹۰۷ تا ۰/۶۰۵ | سطح قوی |
| ۱۰۰ | ۳۶ | جمع | |

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۰

عوامل موثر بر حکمروایی روستایی

در زمینه عوامل موثر بر حکمروایی روستایی، ۴۹ متغیر شناسایی گردید و نتایج بررسی آن‌ها در حکمروایی روستایی روستاهای مورد مطالعه بررسی گردید. در این زمینه متغیرها در چهار بخش خصوصیات سازمانی، نیروی انسانی، موقعیت مکانی- فضایی، ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی و ویژگی‌های اقتصادی تقسیم بندی شدند. پس از بررسی در گام اول و ارتباط و همبستگی بین متغیر وابسته (حکمروایی روستایی) و متغیرهای مستقل (متغیرهای مورد اشاره)، تعداد ۲۶ متغیر از کل بخش‌ها دارای ضریب معناداری بودند. بنابراین این ۲۶ متغیر در قالب دو گروه عوامل درونی (خصوصیات سازمانی، نیروی انسانی) و عوامل بیرونی (موقعیت مکانی- فضایی، ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی، ویژگی‌های اقتصادی) مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج این تحلیل در جدول آمده است.

سپس تاثیر این متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته (حکمروایی روستایی) با استفاده از ضریب رگرسیون خطی بررسی گردید. با توجه به مطالعات پیشین در این زمینه و با استفاده از آزمون F، مدل نهایی تاثیر متغیرهای مستقل بر حکمروایی روستایی به دست آمد.

با توجه به جدول در زمینه نتایج ضریب تبیین تعدیل شده برای عوامل درونی حکمروایی روستایی، می توان بیان کرد که متغیرهای مستقل درونی مشارکت کننده در این مدل، ۷۶/۶ درصد از تغییرات حکمروایی روستایی را تبیین می کنند.

همچنین بر اساس ضرایب استاندارد، درجه دهیاری (با ضریب استاندارد ۰/۷۶۸)، درآمد دهیاری (با ضریب استاندارد ۰/۳۷۹)، سن و تجربه دهیار (با ضریب استاندارد ۰/۲۳۲) از مهم ترین متغیرهای عوامل درونی موثر بر حکمروایی روستایی به شمار می آیند.

جدول ۱۱. ارتباط متغیرهای مستقل با حکمروایی روستایی

| عوامل | مؤلفه | متغیر | ضریب همبستگی |
|--------------------|-----------------------------------|---|--------------|
| عوامل درونی | خصوصیات | درآمد دهیاری | ۵۸۰** |
| | | درجه دهیاری | ۶۰۴** |
| | سازمانی | تملک ساختمان مدیریت محلی | ۵۶۰** |
| | | تعامل با سازمان های متولی مدیریت روستا | ۶۱۰** |
| | پیروی انسانی | تعامل با مدیریت محلی روستاها و شهرهای مجاور | ۴۷۴** |
| | | برگزاری نشست های عمومی و دوره های آموزشی | ۴۱۶** |
| | | سطح تحصیلات دهیار و اعضای شورا | ۵۶۳** |
| | | سن و تجربه دهیار | ۶۸۵** |
| | | سن و تجربه اعضای شورا | ۶۸۰** |
| | | درآمد ماهیانه دهیاری و شورا | ۴۳۳** |
| مساحت روستا | | ۷۵۷** | |
| ثقل و تراکم جمعیتی | | ۶۹۷** | |
| موقعیت مکانی فضایی | مرکزیت ارتباطی روستا | ۳۸۰** | |
| | کیفیت راه روستایی | ۸۱۰** | |
| | فاصله از مرکز بخش و شهرستان | ۴۸۳** | |
| | جمعیت روستا | ۵۰۴** | |
| اجتماعی فرهنگی | تحصیلات روستاییان | ۵۴۱** | |
| | منزلت اجتماعی و اقتصادی روستاییان | ۷۶۰** | |
| | توسعه نهادهای مدنی-محلی | ۳۹۱** | |
| | سطح درآمد روستائیان | ۶۰۵** | |
| | میزان رشد درآمد | ۳۹۵** | |
| اقتصادی | تعداد شاغلان | ۴۰۵** | |
| | توسعه کشاورزی روستا | ۵۸۶** | |
| | توسعه گردشگری روستا | ۵۶۳** | |
| | توسعه صنعتی روستا | ۴۲۱** | |
| | توسعه بنگاه های بازرگانی و خصوصی | ۶۶۵** | |

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۰

جدول ۱۲. مدل برآورد عوامل درونی حکمروایی روستایی

| متغیرها | B | Std. Error | Beta | t | sig |
|--------------|-------|------------|-------|--------|-------|
| (مستقل) | ۲/۱۷۲ | ۰/۷۱۸ | | ۳/۰۲۶ | ۰/۰۰۳ |
| درآمد دهیاری | ۰/۳۰۸ | ۰/۰۳۶ | ۰/۳۷۹ | ۸/۵۳۶ | ۰/۰۰۰ |
| درجه دهیاری | ۰/۴۱۷ | ۰/۰۳۴ | ۰/۷۶۸ | ۱۲/۱۰۹ | ۰/۰۰۰ |

| | | | | | |
|--|-------|-------|-------|-------|-------|
| تعامل با سازمان های متولی مدیریت روستا | ۰/۱۶۰ | ۰/۰۷۷ | ۰/۱۴۵ | ۲/۰۸۳ | ۰/۰۳۸ |
| سن و تجربه دهیار | ۰/۰۸۵ | ۰/۰۶۸ | ۰/۰۵۵ | ۱/۲۴۲ | ۰/۰۱۵ |
| سن و تجربه اعضای شورا | ۰/۲۲۱ | ۰/۰۴۶ | ۰/۲۳۲ | ۴/۸۲۳ | ۰/۰۰۰ |

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۰

جدول ۱۳. ضرایب مدل برآورد عوامل درونی حکمروایی روستایی

| | | | |
|-------------------------|----------------------|------------|--------------|
| استاندارد اشتباه تخمینی | ضریب تبیین تعدیل شده | ضریب تبیین | ضریب رگرسیون |
| ۲/۹۲۷۵۱ | ۰/۷۶۶ | ۰/۷۷۰ | ۰/۸۷۷a |

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۰

همچنین در زمینه عوامل بیرونی موثر بر حکمروایی روستایی با توجه به جدول مشخص می باشد که با توجه به نتایج ضریب تبیین تعدیل شده، متغیرهای مستقل بیرونی مشارکت کننده در این مدل، ۹۶/۴ درصد از تغییرات حکمروایی روستایی را تبیین می کنند. همچنین بر اساس ضرایب استاندارد، مساحت روستا (با ضریب استاندارد ۰/۴۱۱)، جمعیت روستا (با ضریب استاندارد ۰/۳۶۱)، ثقل و تراکم جمعیتی (با ضریب استاندارد ۰/۲۲۳) از مهم ترین متغیرهای عوامل بیرونی موثر بر حکمروایی روستایی به شمار می آیند.

جدول ۱۴. مدل برآورد عوامل بیرونی حکمروایی روستایی

| متغیرها | B | Error Std. | Beta | t | sig |
|-----------------------------|-------|------------|-------|--------|-------|
| (مستقل) | -۲/ | ۱/۳۴۵ | | -۶/ | ۰/۰۰۰ |
| مساحت روستا | ۱/۳۳۹ | ۱/۰۲۱ | ۱/۴۱۱ | ۱۶/۵۲۰ | ۰/۰۰۰ |
| ثقل و تراکم جمعیتی | ۱/۲۵۶ | ۱/۰۲۰ | ۱/۲۲۳ | ۱۲/۷۹۶ | ۰/۰۰۰ |
| فاصله از مرکز بخش و شهرستان | ۱/۱۰۵ | ۱/۰۳۱ | ۱/۰۷۷ | ۳/۴۰۰ | ۰/۰۰۱ |
| جمعیت روستا | ۱/۳۷۶ | ۱/۰۲۲ | ۱/۳۶۱ | ۱۷/۱۵۱ | ۰/۰۰۰ |
| توسعه کشاورزی روستا | ۱/۰۵۳ | ۱/۰۳۱ | ۱/۰۳۴ | ۱/۷۳۷ | ۰/۰۰۳ |
| توسعه صنعتی روستا | ۱/۰۴۳ | ۱/۰۱۳ | ۱/۰۵۶ | ۳/۲۷۱ | ۰/۰۰۱ |

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۰

جدول ۱۵. ضرایب مدل برآورد عوامل بیرونی حکمروایی روستایی

| | | | |
|-------------------------|----------------------|------------|--------------|
| استاندارد اشتباه تخمینی | ضریب تبیین تعدیل شده | ضریب تبیین | ضریب رگرسیون |
| ۱/۱۵۳۳۸ | ۱/۹۶۴ | ۱/۹۶۴ | ۱/۹۸۲a |

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۰

با توجه به نتایج جداول فوق، متغیرهای عوامل بیرونی دارای بیشترین تاثیر مثبت و معنی دار بر حکمروایی نسبت به عوامل درونی می باشند. تاثیر مثبت این متغیرها بر حکمروایی روستایی، از آن جهت می باشد که روستاهای دارای محدوده قانونی وسیع تر و دارای جمعیت بیشتر و همچنین ثقل و تراکم جمعیتی بالاتر، دارای حکمروایی روستایی بهتری نیز می باشند. این امر از آنجا ناشی از ارتباط این متغیرها با سایر متغیرهای عامل بیرونی می باشد. بدین صورت که این متغیرها ارتباط تنگاتنگی با شاخص های درآمد حکومت های محلی، توسعه کالبدی، توسعه شاخص های ارتباطی، توسعه مناسبات سیاسی با مراکز بالاتر، افزایش نقش های اداری و توسعه امکانات رفاهی می باشد. همچنین به طور کلی سکونتگاه های

روستایی و شهری با جمعیت بیشتر و وسعت بالاتر، بیشتر دارای پتانسیل های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بالاتری برای رشد و توسعه می باشند. همچنین در بیشتر برنامه ریزی ها و تصمیم گیری های دولتی و اداری و ارائه امکانات و خدمات در اولویت بالاتری قرار دارند. همچنین در زمینه کسب درآمد و وصول درآمد محلی، پتانسیل های بالاتری داشته و در نتیجه در زمینه بهبود شاخص های حکمروایی روستایی در وضعیت بهتری می باشند.

۵- بحث و فرجام

تحقیق حاضر با هدف تحلیل سطح حکمروایی محلی و عوامل موثر بر آن در حکومت های محلی (دهیاری و شوراهای اسلامی) در روستاهای شهرستان تنکابن انجام گردید. نتایج تحقیق نشان داد که حکومت های محلی در زمینه شاخص های حکمروایی محلی با میانگین نمره ۲/۹ از وضعیت مناسبی برخوردار نیستند. و در این زمینه شاخص مشارکت مردم، پایین ترین سطح را با نمره ۲/۶ داشته است. این نتیجه با نتیجه گیری حیدری ساربان (۱۳۹۸) که وضعیت حکمروایی را در حکومت های محلی شهرستان مشکین شهر در مطلوب یافته، تفاوت دارد. اما با نتیجه قیداری و همکاران (۱۳۹۷) که حکمروایی مطلوب را در مدیریت محلی روستاهای توابع شهرستان چناران را پایین تر از حد متوسط دانسته یکسان می باشد. همچنین در زمینه سطح بندی حکمروایی روستایی با استفاده از فن «شبهات به گزینه مطلوب» نتایج نشان داد سطح حکمروایی روستایی در بیشتر حکومت های محلی (۶۱/۱ درصد روستاها) در سطح متوسط قرار دارد. این نتیجه با نتیجه رضوانی و همکاران (۱۳۸۹) که میانگین نمایه حکمروایی روستایی را در حکومت های محلی شهرستان قزوین در سطح متوسط دانسته اند، یکسان می باشد. همچنین بررسی نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که عوامل درونی (خصوصیات سازمانی، نیروی انسانی)، ۷۶/۶ درصد از تغییرات حکمروایی روستایی را تبیین می کنند. در این زمینه به ترتیب درجه دهیاری، درآمد دهیاری، سن و تجربه دهیار به ترتیب با ضریب استاندارد ۰/۷۶۸؛ ۰/۳۷۹ و ۰/۲۳۲ از مهم ترین متغیرهای عوامل درونی موثر بر حکمروایی روستایی به شمار می آیند. بنابراین با توجه به اهمیت عوامل درونی در حکمروایی روستایی می توان بخشی از علت وضعیت نامطلوب حکمروایی روستایی را در این شهرستان همین علت دانست. به طوری که نتایج مطالعه دهقانی و شمس الدینی (۱۳۹۳) نشان داده تشکیلات اداره روستاها و مدیریت روستایی در کشور طی چند دهه گذشته ثبات چندانی نداشته و متولی مشخص برای مدیریت کلان روستایی ندارد و علاوه بر پراکندگی مدیریت در امور روستایی، موازی کاری و تداخل وظایف دستگاه های اجرایی در این زمینه هنوز هم دیده می شود. به علاوه با الهام از نتایج باکین (۲۰۱۸)، برخورداری مدیران روستایی از شیوه مدیریت و حکمرانی محلی مشارکتی می تواند در مشارکت جویی مردم محلی برای مدیریت مناسب و پایدار منابع مناطق روستایی موثر باشد. همچنین مشخص گردید عوامل بیرونی (موقعیت مکانی-فضایی، ویژگی های اجتماعی و فرهنگی، ویژگی های اقتصادی) ۹۶/۴ درصد از تغییرات حکمروایی روستایی را تبیین می کنند. در این زمینه نیز به ترتیب مساحت روستا، جمعیت روستا، ثقل و تراکم جمعیتی با ضریب استاندارد ۰/۴۱۱؛ ۰/۳۶۱ و ۰/۲۲۳ از مهم ترین متغیرهای عوامل بیرونی موثر بر حکمروایی روستایی به شمار می آیند. این امر با نتایج تحقیق رضوانی و همکاران (۱۳۸۹) که نقش مساحت؛ جمعیت روستا را در حکمروایی حکومت های محلی شهرستان قزوین مهم دانسته اند همخوانی داشته و با نتایج تحقیق حیدری ساربان (۱۳۹۸)، که شاخص های شاخص های مشارکت اجتماعی و مسئولیت پذیری را در حکمروایی مطلوب دارای ارجحیت دانسته تفاوت دارد. با توجه به همین نتایج، متغیرهای عوامل بیرونی بیشترین تاثیر مثبت و معنی دار را بر حکمروایی دارند. زیرا سکونتگاه هایی با محدوده قانونی وسیع تر، ثقل جمعیتی بالاتر و... دارای پتانسیل های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بیشتری در زمینه جذب منابع، امکانات، سرمایه گذاری ها و خدمات دولتی و غیر دولتی بوده و معمولاً در رتبه بندی دریافت خدمات و امکانات اولویت بالاتری دارد. همچنین چنین سکونتگاه هایی برای ساکنین خود نیز امکانات اقتصادی، اجتماعی و رفاهی بالاتری را فراهم می نمایند. این امر با نتیجه نتایج تحقیق سنجرانی (۱۳۹۶) با بیشتر یافته های این تحقیق از

نظر ارتباط حکم‌روایی خوب و سطح توسعه اجتماعی و اقتصادی همخوانی دارد.

۶- منابع

- احمدی، فواد، (۱۳۹۳)، درآمدی بر تحلیل مدل حکم‌روایی محلی روستایی در مدیریت روستایی، مجموعه مقالات همایش ملی چشم انداز توسعه پایدار روستایی در برنامه ششم توسعه کشور، بهمن ماه، دانشگاه تهران.
- استعلاجی، علیرضا، (۱۳۹۱)، بررسی الگوی مدیریت روستایی در ایران با تاکید بر مدیریت محلی و مشارکتی دهیاری ها، فصلنامه علمی-پژوهشی انجمن جغرافیایی ایران، سال دهم، شماره ۳۲، صص ۲۳۹-۲۵۸.
- استونر، جیمز ای. اف، ادوارد آر. فریمن و دانیل آر گیلبرت، (۱۳۷۹). «مدیریت: مقدمه ای بر مدیریت، مدیریت در قرن بیست و یکم»، دفتر برنامه ریزی، ترجمه ی علی پارسائیان و سید محمد اعرابی، دفتر پژوهش های فرهنگی.
- افتخاری، عبدالرضا رکن الدین و بدری، سید علی، (۱۳۹۱). «بنیان های نظریه ای الگوی توسعه ای روستای نمونه، نشر تهران، استانداری گیلان، انتشارات اول.
- اصغری لقمجانی، ص و مهرابی م، (۱۳۹۴)، بررسی و تحلیل حکم‌روایی خوب روستایی در توسعه مدیریت روستایی، کنفرانس ملی مهندسی معماری، عمران و توسعه کالبدی کوهدشت، صص ۱-۱۱.
- الله پناه، مریم، (۱۳۹۳). «ارزیابی نقش تعاونی دهیاری ها پیرامون ظرفیت سازی و توانمندسازی دهیاری ها از طریق افزایش مزایا و کاهش معایب خدمات رسانی، (مطالعه موردی: دهستان دشت سر شهرستان آمل)»، مجموعه مقالات همایش ملی چشم انداز توسعه پایدار روستایی در برنامه ششم توسعه کشور، بهمن ماه، دانشگاه تهران
- الوانی، سید مهدی، (۱۳۸۴). «مدیریت عمومی»، چاپ بیست و چهارم، تهران، نشر نی.
- بدری، سید علی، موسوی، سید عارف (۱۳۹۰)، مدیریت نوین روستایی در جستجوی راهکارهای مناسب برای توسعه دهیاری ها، مؤسسه انتشاراتی فرهنگی اشتیاق نور.
- پاداش، حمید، و همکاران، (۱۳۸۶)، مؤلفه ها و شاخص های حکم‌روایی شهری، جستارهای شهرسازی بهار ۱۳۸۶ - شماره ۱۹ و ۲۰ صص ۷۲-۷۹.
- توکلی نیا، جمیله و همکاران، (۱۳۹۱)، درآمدی بر حکم‌روایی خوب شهری: ضرورت ها، الزامات و چالش های فراروی تحقق آن در ایران، فصلنامه علمی-پژوهشی نگرش های نو در جغرافیای انسانی، سال پنجم، شماره اول، صص ۱۳۵-۱۵۲.
- حیدری ساربان، وکیل، (۱۳۹۸)، ارزیابی الگوی مدیریت محلی روستایی مبتنی بر شاخص های حکم‌روایی خوب مطالعه موردی: شهرستان مشکین شهر، جغرافیا و توسعه، شماره ۵۷، زمستان ۱۳۹۸.
- دربان آستانه و همکاران، (۱۳۸۹)، سنجش و تحلیل عوامل مؤثر بر حکم‌روایی روستایی در حکومت های محلی (مطالعه موردی: شهرستان قزوین)، مجله پژوهش های جغرافیای انسانی، شماره ۷۳، صص ۹۹-۱۱۸.
- دهقانی ک و شمس الدینی ع، (۱۳۹۳)، تحلیلی بر روند حکم‌روایی مدیریت سنتی و نوین در جامعه روستایی ایران، راهبرد توسعه، شماره ۳۷، صص ۵۹-۹۷.
- رحمانی فضلی و همکاران، (۱۳۹۴)، بنیان های نظری حکم‌روایی خوب در فرایند مدیریت روستایی نوین، مجله مدیریت شهری، شماره ۳۸، صص ۴۳-۵۴.
- رکن الدین افتخاری، عظیمی آملی، جلال؛ پورطاهری، مهدی؛ احمدپور، زهرا (۱۳۹۱) «ارائه الگوی مناسب حکم‌روایی خوب روستایی در ایران»، فصلنامه ژئوپلیتیک؛ سال هشتم؛ شماره ۲.
- ریاحی، وحید و دارویی، پرستو، (۱۳۹۳). «جایگاه مدیریت نوین روستایی در نواحی روستایی پیرامون کلان شهرها و بررسی عوامل مؤثر بر مدیریت برنامه ریزی و توسعه روستایی این نواحی مورد: بخش مرکزی شهرستان اصفهان»، مجموعه مقالات همایش ملی چشم انداز توسعه پایدار روستایی در برنامه ششم توسعه کشور، بهمن ماه، دانشگاه تهران.
- زاهدی، ش (۱۳۸۶)، توسعه پایدار، انتشارات سمت، تهران.

سجاسی قیداری، حمدالله و حاجیان، نرگس؛ (۱۳۹۷)؛ ارزیابی مدیریت محلی در مناطق روستایی با شاخص های حکمروایی مطلوب در روستاهای توابع شهرستان چناران؛ مجله آمایش جغرافیایی فضا؛ شماره: ۲۸؛ دانشگاه گلستان.

سعیدی، عباس، (۱۳۹۳). «یکپارچگی فضایی در فرآیند توسعه پایدار با تأکید بر منظومه های روستایی، مجموعه مقالات همایش ملی چشم انداز توسعه پایدار روستایی در برنامه ششم توسعه کشور، بهمن ماه، دانشگاه تهران.

سنجرائی، زهره، (۱۳۹۶)، تحلیل میزان تحقق الگوی مناسب حکمروایی خوب در مدیریت روستایی(روستاهای شهرستان زهک)، پایان نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه زابل.

شریف زاده، فتاح؛ قلی پور، رحمت الله، (۱۳۸۲) حکمرانی خوب و نقش دولت، فرهنگ مدیریت، سال اول؛ ش ۴.

شفیعی، ه، (۱۳۷۹)، مدیریت در سطح محلی و توسعه پایدار، مدیریت شهری، شماره ۴

ضابطیان، ج، (۱۳۸۳)، نقش شکل های مردمی و غیردولتی در توسعه پایدار روستایی، مجموعه مقالات همایش چالش ها و چشم اندازهای توسعه ایران، توسعه روستایی.

عظیمی آملی و همکاران، (۱۳۹۰)، حکمروایی روستایی (مدیریت توسعه پایدار)، نشر سمت.

عزیز پور، فرهاد، (۱۳۹۳)، چارچوب کلی طرح پیشنهادی: طراحی الگوی نظام درجه دهیاری های کشور، سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور، پژوهشکده مطالعات شهری و روستایی، بهار ۱۳۹۳

مرکز آمار ایران، (۱۳۹۷)، سالنامه آماری استان مازندران.

مطیعی لنگرودی، سید حسن (۱۳۸۲)، مدیریت جدید برای نوسازی روستایی - تجربه اروپا و شمال آمریکا - مجله جغرافیا و توسعه ناحیه ای، شماره ۱.

مهدوی، مسعود، (۱۳۸۴): دهیاری ها تجربه ای دیگر در مدیریت روستاهای ایران، نمونه موردی: دهیاری های استان آذربایجان غربی، فصلنامه پژوهش جغرافیایی، شماره ۵۳

Bakin, D. (2018). Local Governance: A model of Sustainable Rural Resource management for the Third world, Int. J. Agriculture Resources, Governance and Ecology, 1(1): 43-55.

Douglas, David, J.A (2020); The restructuring of local government in rural regions: A rural development perspective journal of rural studies 21, p: (231246), www.Elsevier.com.

SageSusan,pheng,kam (2019)thechanging paradigmm ofrural governanc for sustainable development definingthe nice andRole Of GIS.